



محمد حیدر اختر
کارمند سابق رادیو تلویزیون افغانستان
متصدی تلویزیون و فصلنامه رنگین
در شهر هامبورگ - آلمان

دربارهٔ محفل توزیع جوایز به هنرمندان در شهر هامبورگ - آلمان

در شرایط مهاجرت به خصوص در دنیای غرب، که همه مصروف کار و بار ماشینی خویش می باشند و امکان دیدو بازدید ها کم است، جمع کردن هموطنان از کنج و کنار جهان در زیر یک سقف یک غنیمت بزرگ می باشد .

در غیر آن در برخورد های شخصی بادوستان و هموطنان در مجالس و محافل، در سرویس، ترن های شهری، در بازار و فروشگاه ها اینقدر میسر است که بعد از سلام و علیکی در قدم نخست، روی اوضاع سیاسی افغانستان، بعداً روی نشرات برنامه های تلویزیونی افغانی که نام خدا تعداد شان هم زیاد شده است، صحبت و سوال و جواب می شود و هر کدام در زمینه ابراز نظر می نمایند .

در شهر هامبورگ آلمان، این هم پرسیده می شود که در هامبورگ چه خبر های نو است ؟ یکی از مهاجر افغانی که تازه پدرود حیات گفته قصه می کند، دیگری از جنجال فلان خواهر و برادر، یکی از کنسرت در نظر داشته و قیمت بودن تکت شکوه می کند، دیگری از وضع ناهنجار هنرموسیقی . فرض مثال کسی می گفت که :

در این اواخر بعضی از هنرمندانی که تازه به هنر موسیقی روی آورده و از موسیقی و آداب اجرای کنسرت در روی ستیژ آگاهی ندارند، صرف با جست و خیز، خم و چم رفتن ها، اکت هنرمندی را می نمایند و از طرف دیگر وقت و زمان کنسرت شان هیچ گاهی معین نمی باشد .

از همین گپ ها و سوالات که در شهر هامبورگ چه گپ است، بود که چند وقت پیش گفته شد که باز هم هنرمندان موسیقی از طرف تلویزیون آریانا (کابل) در شهر هامبورگ آلمان جمع شده، و مستحقین جوایز خود را دریافت می کنند .

بالاخره محفل دایر شد و به پایان رسید . صحبت های که بعد از آن شنید شد با همدیگر کاملاً متفاوت بود . خوشی و رضایت، گله مندی و شکایت هم وجود داشت .

دربارهٔ این که محفل چه گونه برپا شد و از کی ها دعوت به عمل آمده بود، دلیل دعوت شدن چه بود و چه کسانی نام شان از لست هنرمندان لغزیده بود، سخن نمی رانم، اما قابل سوال می باشد . چون نویسنده این سطور از زمان تصدی امور تلویزیون رنگین و فصلنامه رنگین صراحت در گفتار و اعتراض و انتقاد خود را داشتم و هنوز هم دارم، از دشمنی

ها، کدورت ها، پشت سرگفتن ها هم خوب مطلع هستم، علت عدم شرکت خود را در آن محفل می دانم. اما این که قصه شخصی من نیست. آدم باید بداند که وقتی هنرمندان کشور و یا درستر بگویم یک تعداد شان جمع می شوند، معیار چی است؟ وقتی کارت ورودی برای فروش وجود ندارد، چه کسان و کدام اشخاص باید دعوت شوند. این سوال را یک عده داشتند.

درین قسمت از گرداننده گان محفل در مقابل علاقمندان عزیز، گله های وجود داشته که نمی توان آنرا نادیده گرفت. مخصوصاً شنیده می شود که بعضی ها دعوت شده بودند که معلوم نبود به چه دلیل. مقصد از گرداننده گان برنامه مجری برنامه آقای اسد بدیع نیست، حتی جناب انجنیر احسان الله بیات هم نیست. زیرا گفته شد که آنها در قسمت دعوت ها دست نداشته و بی خبر بودند. بلکه گله از نوات محترمی است که در قسمت دعوت دست دراز داشتند. به هر ترتیب بنده هم مثل دیگر هموطنان منتظر ماندم و وقتی که برنامه منتشر شد آن را به دقت کامل تعقیب کردم.

اما موضوع مهمتر. توزیع جوایز و کته گوری نمودن هنرمندان بود. یک عده هنرمندان حضور نداشتند. یک تعدادی که واقعاً مطرح هستند، و آهنگ های خوبی دارند، همچنان که از روی قضاوت خانواده ها پیش از شنیدن آهنگ های ایشان می فهمیم، مردم دوست شان دارند، درین محفل نبودند و از آنها نامی برده نشد. به طور مثال از دوبرادر طاهر شهاب و صدیق شهاب نام می برم.

من نقیصه و کمبود را این طور می بینم که:

نخست از پیشکسوتان هنرموسیقی چون استاد حفیظ الله خیال، استاد محمد حسین ارمان و استاد عبدالوهاب مددی، در قسمت کته گوری هنرمندان از نگاه هنرموسیقی هیچ گونه مشوره صورت نگرفته بود. این استادان بزرگوار ما که عمر خویش را در راه موسیقی و هنر کشور صرف نموده اند، در صف اول سالون نشسته و متوجه سخنان و ابلاغ فیصله آقای اسد بدیع بودند، که کی را صدا می زند و به کی جایزه تعلق گرفته است. قراریکه شنیده شد، دست اندرکاران این محفل شکوهمند به رای مردم از طریق انترنت گرفته بودند تکیه کرده اند. اما درکشورهای دیگر برای تثبیت درجه کار هنری هنرمندان هیاتی با صلاحیت از پیکسوتان هنر، ولو هنری که باشد چه هنرموسیقی، چه هنر سینما و تیاتر و چه فعالیت های تلویزیونی و رادیویی، تعیین می شود. آنها بعد از غور و بررسی های همه جانبه، به موفقترین ها جوایزی را مدنظر می گیرند. با تاسف در این محفل چنین نبود.

در هیچ کشوری دیده نشده که هنرمندان آثار هنری خویش را کاندید جایزه نمایند، بلکه این مردم هستند که هنرمند شانرا و هنر شانرا تقدیر می کنند. روی همین دلیل اکثر هنرمندان چیزفهم ما از کاندیدی اثر خویش و اشتراک شان در محفل خود داری کردند. شاید هم بیننده عادی تلویزیون متوجه شده باشد که یک آهنگ یک هنرمند در چند کته گوری مد نظر گرفته شده بود که به طور مثال می توانیم از آهنگ هنرمند جوان تواب آرش نام برد.

یک آهنگ یک هنرمند کاندید آهنگ میهنی شده بود در حالیکه، یک آهنگ محلی بوده که قبلاً تحت مطلع «یا علی شاه مردان» خوانده شده است. نخست این که آهنگ کاندید شده کمپوز نبوده بلکه یک آهنگ کاپی بود و از جانبی هم شعری که در این آهنگ کاپی

بازخوانی شده، اصلاً شعر میهنی نبود. زمانی که شعر میهنی نباشد، آهنگ میهنی شده نمی تواند. این آهنگ به آواز هنرمند جوان جاویدجان شریف بود که جایزه برد. در یک بخش دیگر برنامه کته گوری پر فروش ترین سی دی هنرمندان بود که باز هم جاوید جان شریف مستحق جایزه شناخته شد. آیا میتوان پرسید که این بررسی روی کدام اسناد صورت گرفته آیا از طریق تعداد تولید سی دی؟

اگر از طریق تولید سی دی شده باشد در شرایط حاضر، هیچ هنرمند پر آوازه افغانستان نمی تواند بیشتر از چند صد حلقه سی دی فرمایش بدهد زیرا امکانات فروش آن در بازار موجود نیست چه رسد به یک هنرمند جوانی چون جاوید جان شریف. این موضوع نیز قابل مکت می باشد.

در سالون کمره مدت کوتاهی روی محترم ظاهر هویدا یکی از بنیان گذاران موسیقی آماتور در افغانستان زوم شد اما موقع که برای ظاهر هویدا جایزه اعطا می گردید در محفل حضور نداشت سرو صدا و آوازه در سالون پخش گردید و در بیرون نیز انعکاس یافته که ظاهر هویدا از شیوه برگزاری محفل ناراضی بوده به شکل اعتراض مجلس را ترک کرده است. این که چقدر واقعیت دارد شخص ظاهر هویدا می تواند در زمینه روشنی بیان دارد. هگذا در جمله هنرمندان چهره محترم عارف کیهان هنرمند سابقه دار کشور را دیدیم و هم در جریان محفل شنیده شد که انونسر یا گرداننده برنامه از ایشان دعوت نمود تا جایزه که برای آقای نجیم نوابی در نظر گرفته شده بود به وی اعطا نماید ولی موقع نشر برنامه تصویر آقای عارف کیهان دیده نشد و یاهم به دلیل دیگری سانسور شده باشد.

کمره سیار تلویزیون آریانا در محفل بروی هنرمندان اشتراک کننده زوم می شد که لحظه کوتاهی روی استاد شریف غزل هنرمند غزل خوان و کلاسیک خوان افغانستان آمد ولی از کار کرد های هنری این هنرمند توانا هیچ گونه یاد دهانی صورت نگرفت چه رسد به این که برای وی جایزه ویا تصدیق نامه اعطا گردد به نظر بنده، جای و مرتبت جناب شریف غزل بسیار عالی بوده و باید قدر و منزلت اش را می دانستند.

از هنرمندان محترم که در کشور های غربی، امریکا و اروپا فعالیت دارند بگذریم آیا دست اندرکاران برپایی این محفل شکوهمند از فعالیت ها چشم گیر هنرمندان داخل کشور آگاهی کامل نداشتند؟

در این محفل با شکوه صرف برای دوسه هنرمند جوان که از کابل جان تشریف آورده بودند، تصدیق نامه هایی اعطا گردید چه می شد در جمله هنرمندان نامی از هنرمندان مشهور خرابات که همین اکنون در داخل کشور فعالیت هنری دارند و به با مسوولیت گفته می توانیم که هر کدام شان بهتر و بیشتر از هنرمندان دیگر آگاهی مسلکی موسیقی داشته و هم با اشتراک شان در محافل مردم زجر کشیده افغانستان و هم با اجرای برنامه های خوب از طریق تلویزیون های داخل کشور در خدمت مردم شان قرار دارند گرفته می شد.

بعضی اشخاص در قسمت کورس های موسیقی در داخل و خارج کشور کار کرده و اطفال هموطنان خود را آموزش داده اند، برای آنها نه جایزه یی داده شد و نه از آنها نامی بردند. به نظر من، پارت بازی، خویش خوری ها و هم از خوبی های همچو محافل چشم پوشی شود، وقتی هنرمند قدر دانی می شود، باید قدر قدر دانی را هم بدانیم. در وطن عزیز ما که نیروی جاهل و دشمن هنر تلویزیون و کست هارا به پایه های برق به دار زد، و هر قسم فعالیت هنری را منع قرار داد، کار هنری دستی دوهزار سال پیش را تحمل نکرد و بت

های بامیان را از بین برد، و همین حالا، هم تعداد دشمنان هنر و هنرمند در وزارت خانه ها و شورای ملی کشور کم نیستند، این قدر دانی کار خوبی است . به شرطی که مسوولین اصلی متوجه خطا ها و اشتباهات هم باشند و در آینده جلو آن را بگیرند ... به امید یک چنین روز .